

دکتر محمد تقی منشی طوسی
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

ترجمه، حلقه پیوند فرهنگ‌ها و تمدن‌ها

چکیده

در طی تاریخ، تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون به صورت‌های مختلف با هم در ارتباط و تعامل بوده و از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند. تماس و ارتباط میان این جوامع گاه به صورت مستقیم و در مواردی بشکل غیر مستقیم بوده است. بیشتر این ارتباط‌ها و تماس‌ها به صورت صلح آمیز بوده و با تبادل‌های فرهنگی، علمی، تجاری و ...، و تماس و مراوده میان نخبگان و اهل فن آغاز، و نتایج آن در مراحل بعد به کل جامعه، و فرهنگ و تمدن آن ناحیه منتقل می‌شده است. هم‌چنین، در بسیاری موارد تماس و ارتباط در ابتدا با رویارویی نظامی و جنگ دو ملت و کشور آغاز می‌شده، و پس از پایان این مرحله و برقراری صلح و آرامش، دستاوردهای فکری، علمی، و فرهنگی دو ملت غالب و مغلوب مبادله می‌شده و بدین ترتیب دو ملت و دو تمدن را به یکدیگر نزدیک می‌کرده است. نکته مهم و قابل توجه در تمامی این تماس‌ها و ارتباط‌ها، عامل ترجمه و وجود مترجمان است که همواره خواه به صورت حرکت‌های فردی، یا به شکل سازمان یافته و تخصصی، در نهضت‌های ترجمه‌ای ایران، جهان اسلام، اسپانیا، سیسیل و موجب تسهیل ارتباط و پیوند میان ملل و تمدن‌های مختلف شده است.

کلید واژه:

پیوند، ارتباط، ترجمه، فرهنگ، تمدن، تعامل

مقدمه

تبادل، تعامل، و همفکری میان دولت‌ها و ملت‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون، پدیده‌ای تاریخی و باستانی است که همواره در طول تاریخ بشری مردم، تمدن‌ها، و فرهنگ‌ها را به هم نزدیک و از یکدیگر متأثر می‌سازد. تاریخ تمدن و فرهنگ بشر سرشار از رویدادهای بزرگ و کوچکی است که به گونه‌ای بارز نمایانگر رویارویی، تعامل، گفتگو و پیوند میان آنهاست. آن چه در دهه‌ی گذشته با نام گفتگوی تمدن‌ها از زبان برخی صاحب‌نظران (هانتینگتون، ۱۳۷۸) مطرح گردید، بیان پدیده‌ای تاریخی و ریشه دار است که با عبارت و دیدگاهی نو مطرح شد. پیش از این نیز افرادی چون توین بی، هرتسوک، هاول، و حتی لنین از گفتگو و مراوده میان تمدن‌ها سخن گفته‌اند (فراگوزلو ۱۳۸۲ ش، صص ۷۳-۷۴)، اما آنچه گفتگو و مراوده میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را در سال‌های اخیر جالب و برجسته می‌سازد، طرح آن در چارچوب نظریه‌ای مسالمت جویانه و صلح‌آمیز در روابط بین‌المللی به دور از هرگونه افراط و تفریط یا نفرت و شیدایی است. با توجه به گسترش و تنوع رشته‌های مختلف علوم، اندیشمندان هر رشته بر پایه نگرش و برداشت خود از فرهنگ و تمدن، هر یک تعریفی خاص از این دو مفهوم ارائه داده‌اند. بنابراین پیش از ورود به بحث تعامل و تأثیرپذیری، و چگونگی پیوند تمدن‌ها و فرهنگ‌ها از طریق ترجمه و مترجمان، لازم است تعریفی متناسب با این بحث از این مفاهیم ارائه دهیم. نگارنده همچنین لازم می‌داند مراد از واژه برخورد و تعامل را آنگونه که در مقاله حاضر مورد نظر است روشن سازد تا مفهوم پیوند به گونه‌ای که در این نوشتار آمده به خوبی و روشنی برای خواننده قابل درک باشد.

تعریف تمدن و فرهنگ

شاید بهترین و جامع‌ترین تعریف از دو واژه‌ی فرهنگ و تمدن را ادوارد بارت تایلور^۱ انسان شناس انگلیسی قرن نوزدهم ارائه داده باشد، زیرا بیشتر تعریف‌های بعدی این حوزه در غرب از آن متأثر بوده است. وی بر این باور است که فرهنگ و تمدن کلیت درهم تافته‌ای است که شامل دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه

^۱. Edward Burnet Tylor

توانایی و عادت‌ها است که آدمی در مقام عضوی از جامعه به دست می‌آورد (آشوری ۱۳۵۷ ش، ص ۳۹). از این تعریف چنین بر می‌آید که تایلور همچون دیگر اندیشمندان سده‌های ۱۸ و ۱۹ میان فرهنگ و تمدن فرقی قائل نبوده است. پس از وی آلفرد و بر در ۱۹۲۰ این دو واژه را از یکدیگر تفکیک می‌کند (همو، ص ۳۵). او تمدن را در فعالیت‌های عینی، فنی و اطلاعاتی جامعه می‌بیند، در حالی که فرهنگ را با امور ذهنی مانند دین، فلسفه، و هنر در ارتباط می‌داند.

اندیشمندان دیگری چون امه سه زر نویسنده سیاه‌پوست آفریقایی نیز این دو مفهوم را یکی نمی‌دانند. آنان فرهنگ را مجموعه‌ای از ویژگی‌های خاص قومی، نژادی و ملی می‌شناسند؛ در حالی که وجوه عام بشری را در تمدن می‌جویند (محمدی، ۱۳۷۳ ص ۴۸). دکتر علی شریعتی (۱۳۵۹ ص، ۱۴) نیز با تکمیل تعریف امه سه زر می‌نویسد: تمدن عبارت است از مجموعه اندوخته‌ها و داشته‌های معنوی و مادی انسان در طول تاریخ، و فرهنگ مجموعه‌ای از یافته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی یک قوم یا نژاد خاص در طول تاریخ. دانیل گلین (۱۳۶۳ ش، ص ۱۱-۱۲) از زبان انسان‌شناس معروف آمریکایی، کروب (۱۹۶۰-۱۸۷۶م) نیز در این باره می‌نویسد "دو اصطلاح تمدن و فرهنگ دربرگیرنده یکدیگرند و اساساً در برخی موارد با تفاوت‌های جزئی، مترادف، نه متباین و متضاد بایکدیگر، به کاررفته‌اند". به باور او هر دو اصطلاح بیانگر سطوح گوناگون و متمایز موضوعی مشابه‌اند. بدین معنی که تمدن بیانگر پیشرفت یک جامعه مترقی است و اصطلاح کلی‌تر و متداول‌تر در همین حوزه.

پیداست بر حسب نوع کاربرد و منظور، می‌توان دو مفهوم فرهنگ و تمدن را جدا از یکدیگر یا مرتبط با هم بدانیم. با این حال، به باور نگارنده، و بر مبنای تعریف‌های ارائه شده از این دو مفهوم، صرف نظر از برخی اختلاف نظرها درباره جداسازی این دو از یکدیگر و محدود دانستن مفهوم فرهنگ در مقایسه با تمدن، این دو واژه بیانگر میراث جوامع مختلف است که در برگیرنده دانش، دین، هنر، صنعت، علم، فن‌آوری، قانون، اخلاق، آداب و رسوم، و هرگونه توانایی است که قومی و ملتی در طول تاریخ به آن دست یافته و با تغییراتی به نسل‌های بعدی منتقل شده است، تا پس از تحول، تکامل و تأثیرپذیری از عوامل گوناگون زمانی و مکانی به نسل‌های بعد و تمدن‌های دیگر انتقال یابد.

مفهوم پیوند و تأثیر پذیری

در صورتی که برخورد و تعامل، یا به تعبیر برخی گفتگو، را ارائه و تبادل دیدگاه‌ها، باورها و داشته‌های دو طرف بدانیم و حاصل آن را درک بهتر و رسیدن به برداشتی صحیح و عمیق از این دیدگاه‌ها و باورها، نتیجه نهایی آن چیزی نخواهد بود جز نزدیک‌تر شدن و درهم آمیختگی، و پیوند یافته‌های علمی، فلسفی، اخلاقی، دینی، و نیز آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی- تمدنی. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که چنین ارتباط و تعاملی از دیرباز در میان ملل، اقوام، تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف وجود داشته و برحسب ضرورت و شرایط زمانی و مکانی به صورت‌های مختلف در دو سطح عام و خاص بروز می‌یافته است.

بی‌تردید پیچیدگی و درهم تنیدگی اینگونه ارتباطات و تعاملات و نیز موضوع‌های مورد گفتگو و تبادل‌های علمی و فرهنگی میان ملت‌ها در گذشته و حال به گونه‌ای نیست که بتوان خط مستقیمی را برای آن در نظر گرفت. با این حال، این ارتباط همواره از طریق زبان، خواه به صورت نوشتاری یا گفتاری، صورت می‌پذیرفته است. از جایی که طرفهای تعامل و گفتگو به فرهنگ‌ها، اقوام، ملل، و تمدن‌های مختلف تعلق داشته و به زبان‌های متفاوت سخن می‌گفته‌اند، بی‌تردید به ترجمه و فردی به نام مترجم نیازمند بوده‌اند. در سال ۳۰۰ قبل از میلاد، ترجمه در انتقال عناصر فرهنگی و مذهبی یونان به روم بسیار موثر واقع شد (پیترو نیومارک ۱۹۸۸ م، ص ۳). در قرن ۱۲ میلادی نزدیکی و ارتباط غرب با اسپانیای مسلمان شرایط بسیار مطلوبی را برای انتقال دستاوردهای تمدن اسلام به اروپا از طریق ترجمه فراهم آورد. سطح پایین تمدن و فرهنگ غرب در آن زمان و پذیرندگی بالای علمی مردم اسپانیا در برابر اندیشه‌های جدید علمی مسلمانان، و نیز تماس پیوسته میان این دو فرهنگ و تمدن، زمینه مناسبی را برای انتقال علوم و فنون اسلامی به اروپا پدید آورد (همان کتاب ص ۳). آثار علمی و تمدنی یونان نیز از طریق ترجمه بطور مستقیم از یونانی، یا به صورت غیرمستقیم از طریق ترجمه‌هایی از زبان‌های پهلوی و سریانی به عربی، به جهان و تمدن اسلامی انتقال یافته است. همچنین آثار تمدن و فرهنگ هندی به طور مستقیم توسط منکه هندی به عربی ترجمه شده، یا از طریق برگردان عربی این آثار از زبان‌های فارسی، پهلوی و سریانی، به تمدن اسلامی

منتقل شده و سپس با برگرداندن آنها به زبان لاتین، به تمدن اروپا در غرب انتقال یافته است.

ارتباط و تعامل میان ملت‌ها و تمدن‌ها معمولاً در دو سطح عام و خاص صورت می‌گیرد. در سطح عام مردم عادی با توجه به شرایط، امکان مرادده و تماس، نیاز، آمادگی، و پذیرندگی لازم در دو طرف، به مبادله فرهنگ، آداب و رسوم و مظاهر تمدن خود می‌پردازند. بدین طریق فرهنگ و تمدن قومی و ملتی بتدریج، البته در عصر حاضر با شتابی سریع، از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر و از مردمی به مردمانی دیگر انتقال می‌یابد و با فرهنگ و تمدن آن ناحیه درهم می‌آمیزد. نمونه‌ی بارز این نوع تأثیرگذاری و تعامل مراسم میهمانی و جشن‌های ازدواج روزگار ماست که هیچ شباهتی با آداب و رسوم نیاکانمان ندارد بلکه به فراوانی از تمدن غرب تأثیر پذیرفته است. نمونه‌ی دیگر، نوع پوشاک و حتی نحوه سلام‌گویی و ابراز ارادت در برخوردهای روزانه میان مردم عادی و به خصوص جوانان است که بشکلی کاملاً متفاوت از گذشته و به صورتی مشابه غرب در جوامع شرقی و از جمله کشور ما دیده می‌شود.

در سطح خاص، اهل فن، اندیشمندان، و عالمان دو یا چند تمدن و فرهنگ مختلف با یکدیگر به تبادل نظر و گفتگو می‌نشینند و از دیدگاه‌ها و یافته‌های یکدیگر آگاه و بهره‌مند می‌شوند. آنان سپس از این یافته‌ها و دیدگاه‌ها به صورت عینی و عملی در فعالیت‌ها و مطالعات خود استفاده می‌کنند. بدیهی است حاصل این گفتگوها نیز پس از چندی در سطحی وسیع‌تر گسترده شده و در تمدن و فرهنگ سرزمین دیگر بروز می‌یابد. نمونه بارز این نوع برخوردها در گذشته ملاقات‌ها و نشست‌های عالمان اقوام و ملل مختلف، و سفرهای آنان به دیار و شهرهای دیگر و بازگشت آنان به موطن اصلی خویش و یا مهاجرت و اقامت در سرزمین جدید است. سفرها و ملاقات‌های دانشمندان چون ابوریحان بیرونی، ابن سینا، خواجه نصیر، سعدی و خیام نمونه بارز چنین ارتباط و مرادده‌هایی است. در روزگار کنونی، برگزاری همایش‌ها و گردهمایی‌های علمی-تخصصی در کشورهای مختلف و تبادل اطلاعات علمی و فرهنگی در حوزه‌های مختلف میان دانشمندان و اهل فن گویای این گونه مرادده‌هاست. بی‌تردید در این نوع مرادده‌ها، خواه در گذشته یا حال، نقش مترجمان بسیار برجسته بوده و هست.

شواهد تاریخی فراوان حکایت دارد که در گذشته بیشتر موارد تعامل و مراوده‌های میان ملل، تمدن‌ها، و فرهنگ‌های گوناگون ابتدا با منازعه و جنگ همراه بوده و پس از چندی، یعنی بعد از استقرار صلح و آرامش میان دو طرف منازعه، و پایان یافتن کشتارها و بیرحمی‌ها، زمان گفتگو و تعامل فرا می‌رسیده است. از شواهد بارز این ادعا می‌توان به حمله‌ی اسکندر به مشرق زمین، حمله‌ی اعراب به مناطق مختلف از جمله ایران، حمله‌ی چنگیز به کشورهای مختلف، جنگ‌های صلیبی میان مسلمانان و اروپاییان مسیحی و بسیاری موارد دیگر اشاره کرد. در تمامی این یورش‌ها نیروی دشمن، پس از سرکوب ملت مغلوب و استقرار صلح و آرامش، باب گفتگو و مراوده را می‌گشوده است. بدین معنی که فرهنگ و تمدن برتر خود را عرضه می‌کرده یا از فرهنگ و تمدن برتر ملت مغلوب بهره مند می‌شده است. در چنین حالتی، هنگام برقراری این تماس‌ها و تبادل‌های علمی و یافته‌های تمدن ملت غالب یا مغلوب، دست کم در مراحل آغازین، نقش ترجمه و مترجمان اهمیت فراوان داشته است تا دو ملت و تمدن را به یکدیگر نزدیک گردانیده و سبب درک متقابل آنها، و در نتیجه پیوند میان آن دو شود. اینک با در دست داشتن تعریف مفاهیم فرهنگ و تمدن، و آگاهی از جدایی‌ناپذیر بودن این دو، و نیز مفهوم و کاربرد تعامل، تأثیرپذیری و پیوند، به بحث درباره تمدن‌های مختلف و چگونگی پیوند و تکامل آنها از طریق تعامل و گفتگو، به ویژه تأثیر ترجمه و مترجمان در این راستا می‌پردازیم.

پیوند تمدن‌ها و فرهنگ‌ها

یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های تاریخ بشری، تمدن یونان است. اما، این تمدن خود حاصل ظهور، سقوط، و پیوند فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگری از جمله مینوا^۱، موکند^۲ در هزاره دوم قبل از میلاد، و تمدن اقوام دیگر مانند آخایی‌ها^۳، آیولیایی‌ها^۴، یونانیان‌ها^۵ و

۱. Minoa
۲. Mycenea
۳. Achaens
۴. Aeolians
۵. Ionians

دوریان‌ها^۱ در سده‌های بعدی است. از این رو، به گفته جورج سارتن (حقیقت، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۳) بسیار ساده اندیشانه است که تصور کنیم علم و تمدن با یونان آغاز شده است. به باور وی بر معجزه یونان هزار سال کار مصر، بین النهرین، ایران، و احتمالاً سرزمین‌های دیگر مقدم بوده است.

گیرشمن (۱۳۶۶ ش، ص ۱۳۵) در کتاب ایران از آغاز تا اسلام می‌نویسد پادشاهان هخامنشی ترکیبی از تمدن‌های قدیم به وجود آوردند. امپراطوری هخامنشی شامل بین النهرین، سوریه، مصر، آسیای صغیر، شهرها و جزایر یونان، و قسمتی از هند بود. پادشاهان هخامنشی از تمدن‌های این سرزمین‌ها آگاه بودند و از آنها بهره‌های فراوان بردند. از این رو تمدن ایران باستان را می‌توان ترکیبی از تمام تمدن‌ها دانست. به همین ترتیب، علم، فرهنگ، و تمدن یونان را نیز می‌توان ترکیب، پیوند و تجدید حیات علوم و تمدن نواحی و ملل مختلف به حساب آورد که بر این تمدن تأثیرگذار بودند.

به استناد کشفیات باستان‌شناسی و مطالعات تاریخی، منطقه شرق، بخصوص خاورمیانه، از نخستین مکان‌های تجمع انسانی و مدنیت در جهان است. شرایط خاص این منطقه و وجود جذابیت‌های گوناگون اقتصادی، جغرافیائی، فرهنگی و دیگر ویژگی‌های مهم این منطقه، موجب شده است که اقوام و ملیت‌های گوناگون، به این منطقه هجوم آورند و بدین ترتیب این ناحیه به آمیزه‌ای از نژادها، مذاهب‌ها، و زبان‌های مختلف تبدیل شود. در نتیجه این منطقه به مکانی برای رویارویی، تعامل، و تأثیرپذیری و پیوند تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف از یکدیگر تبدیل شد. این برخوردها در طی تاریخ به صورت‌های گوناگون، گاه در پوشش تقابل نظامی و گاه به شکل مبادله‌های بازرگانی و مراوده‌های علمی و فرهنگی و گفتگوهای سیاسی و دینی صورت گرفته است. بدین ترتیب می‌توان تمدن این منطقه و تمدن‌های مناطق دیگری را که در طول تاریخ چندین هزار ساله با مردم و حکومت‌های این ناحیه برخورد داشته و با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند، بهترین نمونه برخورد و تأثیرپذیری و پیوند تمدن‌ها در گذشته به حساب آورد. پیداست این تأثیرپذیری و پیوند به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در طی سال‌های متمادی انجام گرفته و در تمدن و فرهنگ ملت‌های مختلف بروز یافته است.

۱ . Dorians

بی‌تردید نخستین و شاید تأثیرگذارترین و پربارترین برخورد و نزدیکی میان تمدن‌های منطقه خاورمیانه و تمدن غرب یورش اسکندر به شرق است. گرچه این برخورد ابتدا در پوشش نظامی صورت پذیرفت، آثار فرهنگی، علمی، و تمدنی آن بسیار چشمگیر بود. شواهد فراوان حکایت دارد که این آثار به صورت‌های مختلف در شکل‌گیری و شکوفایی فرهنگ‌ها و تمدن‌های بعدی در این منطقه و مناطق دیگر جهان بسیار تأثیرگذار بوده است. اسکندر با کوله باری از فرهنگ، علم، و تمدن راهی شرق شد و جامعه این دیار را به شدت تحت تأثیر ره آوردهای علمی، فلسفی، و سیاسی خود قرار داد. او در ذهنیت خویش ایجاد یک امپراطوری جهانی را طرح‌ریزی کرده بود، و این کار جز با تعامل و گفتگوی میان شرق دینی و غرب فلسفی و علمی میسر نبود.

اسکندر از اهمیت دین در شرق آگاه بود. بنابراین در مصر در معبد آمون به عبادت پرداخت و بدین گونه مصریان به او به دیده خدایی نگریستند (محمدی ۱۳۷۳، ص ۲). بدین سان وی راه داد و ستد و تعامل با تمدن‌های شرق را گشود. نتیجه این برخورد اسکندر پایه‌گذاری اسکندریه، و استقرار و شکوفایی نظامی علمی و سیاسی در آن شهر بود که تا چندین قرن، و حتی پس از ظهور اسلام موقعیت حساس خود را به منزله مرکز علمی آن روز جهان حفظ کرد. بعد از مرگ اسکندر، آتن بزرگ‌ترین مرکز علم و تمدن آن روزگار، گرفتار تشنجات سیاسی و نظامی شد و امکان رشد زمینه‌های علمی را از دست داد. بدین گونه بود که علوم رشد یافته در یونان به سوی شرق روانه شد و به اسکندریه انتقال یافت. در نتیجه این انتقال، اسکندریه محل دیدار و گفتگوهای دانشوران و تلافی جریان‌های فرهنگی و علمی یونانی، یهودی، بابلی، و مصری شد و افکار علمی و فلسفی شرق و غرب در این مرکز درهم آمیخت و بعدها به تمدن‌های اسلامی و اروپایی راه یافت. این مرکز علمی محل تجمع و تردد دانشوران بسیاری بود و دانشمندانی چون جالینوس، بطلمیوس، ارشمیدس، اوریباسیوس، و فیلون اسکندرانی و فلوطین در آن رشد یافتند.

هر یک از این دانشمندان به نوبه خود از پایه‌گذاران و ارکان علمی دنیای آن روز و روزگار پس از خود شدند. از طریق ترجمه و انتقال آثار این دانشمندان به سرزمین‌های دیگر است که تمدن‌های بعدی از جمله تمدن اسلامی، و پس از آن با فتوحات مسلمانان در اندلس و سیسیل، و نیز از طریق جنگ‌های صلیبی، رنسانس اروپا شکل

می‌گیرد، و تمدن نوین اروپا و پس از آن جهان متمدن کنونی پایه‌ریزی می‌شود. نتیجه چنین برخوردها و تعاملات، و تلفیق آرای پیروان افلاطون با دانشمندان علوم دینی و فلسفی یهود و نصرانی است که روش‌های جدید نو افلاطونی و نو فیثاغورثی شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد.

نهضت‌های ترجمه و تاثیر آنها در پیوند تمدن‌ها و فرهنگ‌ها

نهضت ترجمه ایران

پیش از اسلام، ایران کانون علم، دانش و تمدن به حساب می‌آمد. شاهان ساسانی چون اردشیر، شاپور و انوشیروان به علم و فلسفه اهمیت شایانی می‌دادند. اردشیرشاه ساسانی پس از به قدرت رسیدن، افرادی را به هند و چین و روم فرستاد تا تمام کتاب‌هایی را که نزد آنان بود نسخه برداری و به دربار وی منتقل کنند. به همین ترتیب کلیه کتاب‌های موجود در عراق و تمدن بین‌النهرین جمع‌آوری و به دربار وی آورده شد (ابن ندیم، ترجمه تجدد ۱۳۶۶ ص ۴۳۷). از این طریق کتاب‌های بسیاری که حاصل شکوفایی تمدن‌های گذشته بود به ایران انتقال یافت. بعد از اردشیر، جانشین لایق او شاپور این کار را دنبال کرد و دستورات تمامی این آثار به زبان پهلوی ترجمه شود و در اختیار دانشمندان و صاحبان علم و اندیشه قرار گیرد. بدین گونه اولین نهضت ترجمه در ایران شکل گرفت. این نهضت از جهت‌های مختلف از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که این آثار بعدها در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن اسلامی و انتقال آنها به اروپا تاثیر بسزایی داشته است.

از دیگر شاهان علم دوست ساسانی انوشیروان است که با جمع‌آوری، ترجمه و تدوین کتاب‌های فراوان و تدریس آنها در بیمارستان و مدرسه جندی‌شاپور خدمات شایانی به انتقال علوم از تمدن‌های گذشته به ایران و از ایران به جهان اسلام و تمدن‌های بعد از آنها کرده است. شواهد موجود حاکی است که گفتگو و تبادلات علمی میان دولت و تمدن ساسانی با دیگر تمدن‌ها و ملل پیش از آن و نیز دانش دوستی علمی خود ایرانیان سبب پیدایش برخی علوم، و تکامل برخی دیگر شده است. بدین ترتیب، مقارن با ظهور اسلام ایران یکی از مراکز علمی و تمدن جهان آن روزگار به شمار می‌رفت.

- در این تکوین و تکامل، و در مرحله بعد انتقال علوم و تمدن به سایر ملل و کشورها، سه عامل اصلی را می‌توان برشمرد (محمدی ۱۳۷۳ ش، ص ۵۸)
- سنت و دانش علمی خود ایرانیان که پس از ظهور اسلام به تمدن اسلامی انتقال یافت و از جمله آنها می‌توان به کتاب زیج شهریار اشاره کرد که به دست علی بن زیاد تمیمی به عربی ترجمه شد.
 - برخی علوم یونانی که پیشتر و پس از حمله اسکندر به زبان پهلوی و سریانی ترجمه شده بود و در مراکز علمی ایران همچون جندیشاپور تدریس می‌شد و از آنجا به جهان اسلام انتقال یافت.
 - برخی آثار هندی، چینی و حتی رومی به ویژه، در پزشکی، نجوم و تاریخ طبیعی که در دوره ساسانیان به ایران آمده و تکامل یافته بود از طریق ترجمه به جهان اسلام انتقال یافت. نمونه برجسته این آثار ترجمه کلیله و دمنه ابن مقفع است.

نهضت ترجمه جهان اسلام

پس از نهضت ترجمه ایران که به همت پادشاهان ساسانی صورت گرفت، می‌توان از نهضت ترجمه جهان اسلام یاد کرد. این نهضت نخست به همت منصور خلیفه عباسی (۱۳۶-۱۵۸ هجری قمری) آغاز شد. او دستور داد کتاب‌های یونانی موجود در قلمرو حکومت وی به عربی ترجمه شود. این نهضت در مرحله بعدی در حدی گسترده‌تر با همت هارون الرشید تداوم یافت. به دستور هارون تعدادی از دانشمندان اسلامی برای ترجمه کتاب‌هایی که در آن زمان در دسترس دانشمندان اسلامی نبود به قسطنطنیه رفتند و آنها را ترجمه کردند (لوفیس پاول تاد، ۱۳۴۲ ص ۲۸۴). گفته شده است که هارون پس از غلبه بر سپاهیان بیزانتس در جنگ آنکارا و عموریه، کتاب‌های یونانی فراوانی را به چنگ آورد و یوحنا بن ماسویه را مامور ترجمه آنها کرد (ابن ابی اصیبه ۱۹۷۵ م، ص ۱۲۴).

نقطه اوج نهضت ترجمه اسلام در دوره خلافت مامون (۱۹۸-۲۱۸ ه ق) است. به دستور مامون گروهی از مترجمان چیره دست در بیت الحکمه گرد آمدند و با نظارت یوحنا بن ماسویه به صورت گسترده‌ای به ترجمه کتاب‌های مختلف از زبانهای گوناگون پرداختند. این ندیم در کتاب الفهرست خود می‌نویسد "مامون گروهی از مترجمان معروف چون حجاج بن مطر، ابن بطریق، حنین بن اسحاق، و یوحنا بن ماسویه را که به

زبانهای مختلف آشنایی داشتند به روم فرستاد و بدین طریق سیل عظیمی از کتاب‌های یونانی و رومی به جهان اسلام سرازیر شد که هریک پس از ترجمه مبنای رشد و شکوفایی شاخه ای از علوم اسلامی شد" (ابن ندیم ۱۳۶۶ ش، ص ۴۴۴). اهتمام مامون در تبلیغ و ترویج علوم را نه تنها تاریخ نویسان اسلامی بلکه محققان اروپایی تحسین کرده‌اند. (روسو، ۱۳۳۴، ص ۱۱۷ و ۱۱۸)

تازمان تأسیس بیت الحکمه ترجمه به صورت انفرادی و موردی انجام می‌گرفت. اما پس از تأسیس بیت الحکمه تمامی آثار باقی مانده از تمدن‌های گذشته ایرانی، هندی، یونانی، و سریانی به شکلی سازمان یافته و با نظارت کامل اهل فن ترجمه شد. این مرکز به مشابه پالایشگاهی بزرگ بود که در آن علوم و عقاید سایرملل و تمدن‌ها پالایش شده و سپس با افکار و اندیشه‌های دانشمندان مسلمان درآمیخته و به اهل فن عرضه می‌شد. نکته مهم در نهضت ترجمه اسلامی، تلاش و کوشش مترجمان هر قوم و ملیت است که می‌کوشیدند آثار برجسته موجود در زبان مادری خویش را به عربی برگردانند. آنان علاقه‌مند بودند آثار تمدن و آرا و عقاید خود را زودتر از دیگران در میان ملل مسلمان رواج دهند. بدین‌گونه بسیاری از آثار برجسته تمدن‌های ملل دیگر به تمدن اسلامی راه یافت (زرین کوب، کارنامه اسلام ص ۴۹). میل شدید برای رسیدن به علم صحیح سبب شد که ترجمه‌های سابق مورد تجدید نظر قرار گیرد و در نتیجه کتاب‌های تازه‌ای به نام شرح و تفسیر بر این کتاب‌ها به وجود آید، یا کتاب‌های مستقلاً مبتنی بر آنها نوشته شود (دلیسی اولیری ۱۳۷۴ ش، ص ۲۵۰). از دیگر ویژگی‌های مهم نهضت ترجمه جهان اسلام این بود که آثار برجسته دانشمندان یونانی، سریانی، هندی و ایرانی به دست اهل فن ترجمه می‌شد. یعنی مترجمان این آثار، خود در آن رشته از تبحر و مهارت بالایی برخوردار و دارای تالیفات متعددی بوده‌اند. برای مثال ابن ندیم (الفهرست، صص ۴۷۲-۴۶۵) می‌گوید ابویوسف یعقوب کندی علاوه بر ترجمه کتاب‌های فراوان، بیش از ۲۶۵ کتاب و رساله در زمینه‌های مختلف علوم تالیف کرده بود. آگاهی مترجمان از موضوع اثر دست کم دو حسن به همراه داشت.

- ترجمه به صورت تخصصی و با آگاهی علمی انجام می‌گرفت و تنها معادل یابی و واژه‌گزینی متنی نبود. بدین ترتیب، چون کار ترجمه همراه با نقد صورت می‌گرفت گاه اشتباه مولف اصلی کتاب نیز تصحیح می‌شد.

• متن ترجمه شده از نظر علمی دارای ارزش بالایی بود و چون به دست اهل فن ترجمه می‌شد بدون ایراد و نقص به دست اهل فن می‌رسید. (زرین کوب ۱۳۶۲، ص ۴۹)

سرآمد مترجمان این نهضت حنین ابن اسحاق است که ریاست مترجمان بیت الحکمه را برعهده داشت. وی چنان مورد توجه و عنایت مامون بود که به گفته ویل دورانت نزدیک بود مامون به خاطر او بیت الحکمه را ورشکست کند. زیرا مامون معادل وزن هر کتاب که او به عربی ترجمه می‌کرد به وی طلای خالص می‌داد (ویل دورانت، عصر ایمان ۱۳۶۷، ص ۳۰۸). حنین تمامی کتاب‌ها و رساله‌های جالینوس را ترجمه کرد و حاصل این تلاش‌ها صد کتاب سریانی و سی و نه رساله از فلسفه و طب جالینوس بود. وی هم‌چنین کتاب‌های چندی از بقراط و ارسطو و نیز کتاب دیسکوریدس را ترجمه کرد (سر توماس آرنولد-آلفرد گیوم ۱۳۵۲، ش ۱۰۵). بیشتر مترجمان دوره‌های بعد از وی نیز زیر دست حنین یا یکی از شاگردانش تربیت شدند و چنان بود که وی را پیشوای مترجمان خوب می‌دانستند (دلیسی اولیری ۱۳۷۴، ش، ص ۲۵۹)

در نهضت ترجمه جهان اسلام، مترجمان ایرانی وظیفه ترجمه کتاب‌های پهلوی را به عربی برعهده داشتند. از جمله آنان می‌توان ابن مقفع، خاندان نوبخت، علی بن زیاد، حسن بن سهل، بلاذری، عمر بن فرخان، و اسحاق ابن یزید را برشمرد. از معروفترین این ترجمه‌ها می‌توان از کلیله و دمنه و برخی کتاب‌های اخلاقی ابن مقفع، زیج شهریار علی ابن زیاد، سیره الفرس (خداینامه) اسحاق بن یزید (پهلوی به عربی) و عهد اردشیر برگردان بلاذری نام برد. بدین ترتیب، با تلاش و همت مترجمان گوناگون، مسلمانان بخش اعظم آثار علمی، فلسفی، ادبی، یا به‌طور خلاصه آثار بسیاری تمدن‌ها، اقوام و ملل مختلف را به دست آوردند. به گفته جرجی زیدان، مسلمانان بهترین دانش‌های هرملتی را از آن خود کردند (جرجی زیدان، ترجمه جواهر کلام ۱۳۶۹، ش، ص ۵۸۱).

نهضت ترجمه اسپانیا

پس از اتمام کار مسلمانان در اسپانیا و تصاحب سرزمین‌های مسلمان نشین به دست آلفونس ششم، وی تولید، یا طلیطله آن زمان را، که یکی از مراکز برجسته فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌آمد و اندیشمندان زیادی را در خود جمع کرده بود پایتخت

خود قرارداد. آلفونس با علاقه‌مندی زیاد خود به فرهنگ و رسوم اسلامی، نه تنها با مسلمانان به خوبی رفتار کرد بلکه فرهنگ و تمدن اسلامی را در میان مسیحیان رواج داد و آنان را به استفاده از این آداب و رسوم تشویق کرد. پس از آلفونس برشکوه و عظمت طلیطله افزوده شد و در قرن دوازده اسقف اعظم طلیطله (۱۱۲۶-۱۱۵۲ م) برای ترجمه کتاب‌های اسلامی به طور رسمی دارالترجمه‌ای تاسیس کرد. برای این کار وی از دانشمندان متبحر یهودی و مسیحی دعوت کرد (فیلیپ حتی ۱۳۴۴ ش، جلد ۲ ص ۷۵۳).

پیش از شروع نهضت ترجمه اسپانیا، مترجمان اروپایی، همچون مترجمان جهان اسلام قبل از تاسیس بیت الحکمه، به صورت پراکنده و انفرادی اقدام به ترجمه آثار اسلامی می‌کردند. اما پس از تاسیس دارالترجمه طلیطله کار ترجمه و برگردان آثار اسلامی توسط مترجمانی چون ژربر فرانسوی، کنستانتین آفریقایی، جرارد کرمونایی و دیگران که برای تحصیل و ترجمه علوم اسلامی به اندلس، یا دیگر مراکز علمی جهان اسلام آمده بودند به صورتی سامان یافته و منظم تداوم یافت (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۱).

پس از شروع نهضت ترجمه اسپانیا در قرن ۱۲ در شهر طلیطله، به تدریج علاقه‌مندی به ترجمه آثار اسلامی بالا گرفت و به تمام خاک اسپانیا گسترش یافت و به دیگر نقاط نیز سرایت کرد. در این جنبش عظیم علاوه بر تلاش و اراده دانشمندان و مترجمان، حمایت جدی برخی از حاکمان و پادشاهان نیز بسیار مؤثر بود. نمونه بارز آن عملکرد دو تن از پادشاهان بزرگ اروپایی یعنی فردریک دوم (۱۱۹۴-۱۲۵۰ م) پادشاه سیسیل و آلفونس دهم (۱۲۵۲-۱۲۸۴ م) پادشاه کاستیل است. این دو نه تنها از مترجمان مسیحی و یهودی در ترجمه آثار اسلامی استقبال کردند، بلکه خود در مقام مترجمانی توانا به کار ترجمه دست زدند.

همان‌گونه که گفته شد در نهضت ترجمه اسپانیا اسقف اعظم طلیطله دارالترجمه‌ای بنیاد نهاد و نخست خود به اتفاق دو نفر دیگر از مترجمان زیردستش یعنی دومینسکوس گوندیسالینوس^۱ و ژوان آوندیت^۲ کار ترجمه آثار دانشمندان اسلامی را عهده‌دار شد. اما در مراحل بعد مترجمان دیگری از دیگر کشورهای اروپایی که مسلط به زبان عربی

۱ . Gundissalinus

۲ . Juan Avendeth

بودند به این جمع پیوستند و کار ترجمه آثار دانشمندان اسلامی با سرعت و دامنه وسیع‌تری ادامه یافت، از جمله این مترجمان می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

ادلارد از اهالی باث^۱، شهری در جنوب غربی انگلستان، که کتاب اقلیدس را از عربی به لاتین برگرداند. وی سپس زیچ مجریطی را که براساس زیچ خوارزمی بود و مبحث مثلثات به آن اضافه شده بود را ترجمه و هر دو کتاب را به دارالترجمه طلیطله اهدا کرد (محمدی ۱۳۷۳ ش، ص ۱۳۴). مترجم دیگر رابرت چستر^۲ انگلیسی بود که ترجمه مشترک او با پیترورنابل^۳ از قران کریم برای آن دو شهرتی جهانی آورد. چستر کتاب قانون ابن سینا و جبرخوارزمی را در سال ۱۱۴۵ به لاتین ترجمه کرد. پرکارترین مترجم طلیطله، جرارد اهل کرمونا^۴ از شهرهای ایتالیا بود که به ترجمه کتاب‌های بسیاری از متون اسلامی و یونانی دست زد. وی به علت پرکاری و توان فراوان در ترجمه به ریاست دارالترجمه طلیطله برگزیده شد. ویل دورانت وی را هم‌ردیف حنین ابن اسحاق رئیس مترجمان بیت الحکمه دانسته است (تاریخ تمدن، عصر ایمان، ص ۱۲۳۱).

از مترجمان اسپانیایی دارالترجمه طلیطله می‌توان از خود اسقف اعظم ریموند نام برد که کتاب‌های زیادی را از آثار دانشمندان اسلامی به لاتین ترجمه کرد. هم‌چنین گوند یسالیونس که کتاب‌های زیادی از جمله، احصاء العلوم فارابی را به لاتین برگرداند. اما معروف‌ترین مترجم و محقق اسپانیایی نهضت ترجمه اسپانیا را می‌توان آلفونس دهم دانست که به واقع حق بزرگی به گردن مردم اروپا دارد. آلفونس دهم^۵ (۱۲۸۴-۱۲۵۲) پادشاه کاستیل است که نام آلفونس حکیم نیز به وی داده شده است. وی علاوه بر ترجمه آثار فراوانی به لاتین، دانشگاه سالامانک را در شهر سالامانک^۶ اندلس تاسیس کرد (میرانی، ۱۳۴۷ ش، ص ۴۲۸) و مراکز علمی را گسترش داد. وی بسیاری از اندیشمندان مسلمان و یهودی را به کارگرفت تا آثار و افکار ملل و تمدن‌های گذشته را برای تعلیم و آگاهی مردم اروپا ترجمه کنند. آلفونس را بزرگ‌ترین مروج فرهنگ و تمدن اسلامی در

- ۱ . Adelard de Bath
- ۲ . Robert of Chester
- ۳ . Pitter Venerable
- ۴ . Gherarde de Cromona
- ۵ . Alfonso al Sobio
- ۶ . Salamanca

اسپانیای مسیحی دانسته‌اند. وی پس از آگاهی و مشاهده آثار تمدن و فرهنگ اسلامی در اشبیلیه (در حال حاضر از ایالت‌های جنوب باختری اسپانیا) دست‌نویس قرآن کریم و کلیله و دمنه و سایر آثار اسلامی به لاتین ترجمه شود (حتی ۱۳۴۴ ش، ج ۲ ص ۷۶۶). او به دو زبان کاستیلی (اسپانیایی) و لاتین تسلط داشت و آثار عربی را به هر دو زبان ترجمه می‌کرد (وات ۱۳۶۱ ش، ص ۱۱۳).

نکته شایان توجه در نهضت ترجمه اسپانیا شرکت فعالانه یهودیان در ترجمه کتاب‌های اسلامی و یونانی به لاتین است. گفته شده است در صورتی که چنین نبود بسیاری از کتاب‌های دانشمندان اسلامی و یونانی به دست اروپائیان نمی‌رسید یا دیر می‌رسید (محمدی ۱۳۷۳ ش، ص ۱۳۹). از مهم‌ترین مترجمان یهودی این نهضت یوحنا اسپانیایی معروف به اشبیلی است. او در میان مسلمانان به ابن داود شهرت دارد. تعداد زیادی از کتاب‌های ابن سینا، غزالی، فارابی، کندی، ابومعشر، ابن جبرول و فرغانی را ترجمه کرد. تعداد کتاب‌های ترجمه شده او به حدی است که به قول یکی از پژوهشگران غربی یک کتابخانه واقعی را تشکیل می‌دهد (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴ بخش دوم ص ۱۲۳۰). یوحنا با گوندیسا لینوس همکاری نزدیکی داشت. وی ابتدا کتاب‌ها را به کاستیلی ترجمه می‌کرد و سپس گوندیسالینوس آنها را به لاتین برمی‌گرداند. در نهضت ترجمه اسپانیا علاوه بر یوحنا مترجمان یهودی دیگری بودند که آثار متعدد و فراوانی را به لاتین و کاستیلی ترجمه کردند. از جمله آنها می‌توان ابراهیم ابن عزرا (۱۰۹۰-۱۱۶۷ م) مترجم کتاب شرح ابوریحان بر زیج خوارزمی، فرج بن سلیم مترجم آثار متعددی چون الحاوی زکریای رازی، جراحه اثر ابن ماسویه، تقویم اثر ابن جزله و چندین اثر از جالینوس. هم‌چنین دو خانواده معروف از یهودیان اسپانیا یعنی خاندان یعقوب بن مخیربا نسب ابن تبون، و دیگری خاندان میمون، از جمله برجسته‌ترین آنان موسی بن میمون صاحب کتاب دلالة الحائزین را می‌توان نام برد (زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی ج ۱ ص ۲۱).

نهضت ترجمه اسپانیا در مقایسه با نهضت بغداد با کاستی‌ها و مشکلاتی روبرو بود. از جمله این مشکلات می‌توان به نبود مترجم کافی و مسلط به زبان عربی در طلیطله اشاره کرد. نتیجه این کمبود دو مرحله‌ای شدن کار ترجمه‌ها بود. بدین معنی که ابتدا مترجمان کتاب‌ها را از زبان عربی به زبان‌های محلی ترجمه می‌کردند و سپس افراد

دیگری آنها را به لاتین برمی‌گرداندند. این کار سبب می‌شد تا زنگی و اصالت اثر تا حدی از بین برود. دوم آن که زبان‌های محلی اروپایی و حتی خود لاتین در آن زمان فاقد پختگی علمی لازم و معادل‌های مناسب برای مفاهیم علمی بود. در نتیجه این ناپختگی و نبود معادل‌های مناسب واژه‌های عربی فروانی به زبان‌های اروپایی وارد شد. مشکل دیگر نبود اطلاعات علمی کافی مترجمان بود. بسیاری از مترجمان طلیطله اطلاعات و دانش کافی در زمینه کتاب مورد ترجمه نداشتند و از این رو سطح کیفی لازم در برخی از ترجمه‌های انجام شده دیده نمی‌شد. بدین ترتیب لازم بود اثر دو یا چند بار ترجمه شود تا به سطح کیفی مطلوب برسد. با این حال این مساله کلیت ندارد و برخی ترجمه‌های آن زمان بسیار ارزشمند است و با قدری تامل درمی‌یابیم که همین ترجمه‌ها تاثیر بسیاری در رنسانس کشورهای مختلف اروپایی از جمله ایتالیا، فرانسه، و دیگر کشورها داشته است (محمدی ۱۳۷۳ ش، ص ۱۴۲). نکته مهم دیگر این است که مطالعه آثار دانشمندان اسلامی شور و اشتیاق پژوهش و مطالعه را در اروپاییان ایجاد کرد و برنامه‌های آموزشی مدارس با دیدی تازه تدوین یافت و در نهایت این تحول موجب رشد خیره‌کننده دانشگاه‌ها در قرن‌های ۱۲ و ۱۳ میلادی در کشورهای مختلف اروپایی گردید (ویل دورانت، تاریخ تمدن ج ۴، بخش دوم ص ۱۲۳۳).

نهضت ترجمه سیسیل

پس از سقوط آخرین پایگاه مسلمانان در سیسیل، قدرت سیاسی مسلمانان پایان گرفت، اما فرهنگ و تمدن آنان بیش از پیش مورد توجه حاکمان و پادشاهان سیسیل قرار داشت. از جمله این حاکمان راجر بود که با شیوه تسامح و تساهل توانست اعتماد بسیاری از مسلمانان و یهودیان جزیره سیسیل را به خود جلب کند و کارهای حکومتی را به آنان واگذارد. وی از علاقه‌مندان به علم و دانش بود و بدین منظور فیلسوفان، منجمان و طبیبان مشرق زمین را به دربار خود دعوت می‌کرد و از آنان در زمینه‌های علمی کمک می‌گرفت. گفته شده است که دربار وی بی‌شبهت به دربار سلاطین شرقی نبود. پس از او راجر دوم شیوه برخورد همراه با تسامح را در برابر مسلمانان بیش از پدر

اعمال کرد و مسلمانان را در اعتقادات، آداب، و رسوم خود آزاد گذاشت. بدین ترتیب رشد و شکوفایی علوم اسلامی بیش از پیش فراهم آمد (عزیز احمد ۱۳۶۶ ش، ص ۱۰۷).

فردریک دوم دیگر پادشاه سیسیل به نه زبان از جمله عربی صحبت می‌کرد و به هفت زبان مختلف مطلب می‌نوشت. او فیلسوفی توانا و مترجمی خبره بود. نقل شده است که وی با هدف نشر فلسفه و علوم اسلامی در میان مردم اروپا دانشگاه ناپل را بنیاد نهاد. فردریک با ترجمه کتاب‌های هندسه، نجوم، فلسفه و غیره خود به طور مستقیم در گسترش علوم و دانش سهم داشت. افزون بر آن وی از دیگر اندیشمندان و صاحبان اندیشه و عالمان در ترجمه آثار دانشمندان اسلامی نیز سود جست (محمدی ۱۳۷۳ ش، ص ۱۶۳). به واقع می‌توان گفت او با دعوت از مترجمان یهودی و مسیحی بزرگ‌ترین نهضت ترجمه اروپا را به موازات نهضت ترجمه طلیطله پایه‌گذاری کرد و گسترش داد.

ویل دورانت در تاریخ تمدن (ج ۴ ص ۹۶۶) خود می‌نویسد معروف‌ترین مترجم این نهضت مایکل اسکات^۱ بود که به عالم همه فن حریف آن عصر مشهور بود. فردریک دوم وی را برای ترجمه آثار علمی اسلامی به دربار خود آورد. او علاوه بر تحقیق در علوم شیمی، ریاضی، فلسفه و نجوم آثار فراوانی را در این زمینه‌ها ترجمه کرد. معروف‌ترین ترجمه او برگردان شرح نورالدین ابواسحق البطروجی بر رساله اشکال کروی بطلمیوس به لاتین است. او همچنین چندین رساله از ارسطو از عربی به لاتین برگرداند که از آن جمله است کتاب الحیوان، کتاب فی حرکت الحیوان، کون الحیوان، کتاب الحروف یا الهیات، کتاب سماع طبیعی، کتاب النفس، کتاب العالم، کتاب الاخلاق. اسکات هم‌چنین بعضی از تفسیرهای ابن رشد بر ارسطو را ترجمه کرد. به همین دلیل از او به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران مکتب ابن رشد در زبان لاتین نام برده می‌شود. (فشاهی، ۱۳۵۴ ش، ص ۸۵)

کتاب‌های ترجمه شده در نهضت ترجمه سیسیل علاوه بر استفاده در امور علمی و تحقیقاتی محققان و اندیشمندان، در دانشگاه ناپل نیز تدریس می‌شد و از این طریق به پرورش استادان و اندیشمندان در اروپا نیز کمک فراوانی کرد. از جمله این دانشمندان معروف که در دانشگاه ناپل تحصیل می‌کردند سنت توماس اکوئیناس^۲ است (م. شریف

۱. Michel Scot

۲. Thomas Aquinas

۱۳۶۷ش، جلد سوم ص ۶۳۱) که پس از فراغت از تحصیل در دانشگاه ناپل به پاریس رفت و در دانشگاه آن شهر به تدریس علوم به‌ویژه الهیات پرداخت. افزون بر آن، آثار ترجمه شده نهضت سیسیل در دانشگاه‌های پاریس و بولونیا نیز تدریس می‌شد. بدین ترتیب با تلاش و نگرش همراه با تسامح و تساهل فردریک دوم در پایه‌ریزی نهضت ترجمه سیسیل باهدف ترجمه و نشر ثار فرهنگ و تمدن اسلامی، زمینه انتقال و بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در اروپا فراهم آمد و این تمدن توانست به خوبی جای خود را در میان اهل فن و دانشگاه‌های تازه تاسیس اروپا باز کند و به تدریج آثار آن در کل جامعه اروپا نمود یابد (شریف، ترجمه نصر... پورجوادی ۱۳۶۷ ش، ص ۵۳۱).

سخن پایانی

بررسی و مطالعه چندین تمدن باستانی، و تماس‌ها و برخوردهای گوناگون میان آنها بخوبی نمایانگر تحول و تکامل این تمدن‌ها بواسطه مبادله‌های علمی- فرهنگی، از طریق ترجمه آثار و دستاوردهای علمی و فرهنگی آنان است. همان‌گونه که آمد، این تماس‌ها و مراوده‌ها میان تمدن‌ها و فرهنگ‌های باستانی بشر از جمله تمدن یونان با تمدن‌های قبل از آن چون مینوا، موکند، آخایی‌ها، آیولیالی‌ها و دیگر تمدن‌ها وجود داشته است. این تمدن در دوره‌های بعدی در تماس و برخورد با تمدن‌هایی چون ایران، مصر، بین النهرین و سپس در مراحل بعدی در تماس با تمدن اسلامی بخوبی رشد یافت. با انتقال به اروپا و رشد تدریجی آن و پیوند با دیگر تمدن‌ها و بهره‌مندی از یافته‌های دانشمندان ملل و نواحی دیگر، تمدن بشری مرحله به مرحله تکامل یافت و به مرحله و نقطه‌ای رسید که درحال حاضر شاهد و ناظر آن هستیم. اکنون پرسش این است که آیا به راستی می‌توان در این تماس‌ها و مراوده‌ها و در نتیجه پیوند تمدن‌ها، نقش و تأثیرگذاری مترجمانی را که به‌طور پراکنده و انفرادی، یا به‌صورت منسجم و سازمان یافته در نهضت‌های ترجمه ایران، جهان اسلام، اسپانیا، و دیگر، انتقال دستاوردهای علمی و فرهنگی تمدن‌های مختلف را به تمدن و فرهنگ‌های دیگر به‌عهده داشتند نادیده گرفت؟

بی‌شک شکوفایی و پیشرفت هر یک از این تمدن‌ها تا حد فراوانی مرهون زحمات و کوشش‌های مترجمانی است که حاصل تلاش‌ها و دستاوردهای صاحبان علم و اندیشه، و

تفکرات اندیشمندان تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف را به تمدن یا تمدن‌های دیگر منتقل کرده‌اند. همانگونه که دیدیم اهمیت این کار تا بدان جاست که پادشاهانی نظیر فردریک دوم، پادشاه سیسیل و نیز آلفونس دهم پادشاه کاستیل، در مقام مترجم به ترجمه آثار اسلامی و اشاعه آن در اسپانیا دست زدند، و در نتیجه باعث تحکیم و پیوند میان تمدن و فرهنگ اسلامی با تمدن اروپا و غرب شدند. نکته مهم دیگر، تأثیر آثار ترجمه شده تمدن و فرهنگ اسلامی در شکل‌گیری رنسانس در کشورهای مختلف اروپایی از جمله ایتالیا و فرانسه و دیگر کشورها است. از طریق این تبادل‌ها و تماس‌ها و مطالعه آثار ترجمه شده است که شور و اشتیاق پژوهش و مطالعه در اروپاییان ایجاد می‌شود و دانشگاه‌های اروپا در قرن‌های ۱۲ و ۱۳ میلادی به سرعت رشد می‌کنند. کوشش مترجمان در انتقال آثار ارزشمند به تمدن‌های دیگر ارزش دوگانه‌ای دارد. یک، آن که علوم و دستاوردهای گذشتگان را از انهدام و فراموشی نجات دادند و با تصحیح و تکمیل این اندیشه‌ها آنان را به کمال رساندند و از سوی دیگر باعث پایه‌گذاری علوم جدید چون شیمی، جبر، مثلثات و ... شدند.

در شرایط کنونی دنیا، با گسترش وسیع وسایل ارتباط جمعی چاپی و الکترونیکی، به نظر می‌آید مترجمان، در مقایسه با دوران گذشته، در برقراری ارتباط و گفتگوهای جاری میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و انتقال علم، فن‌آوری، هنر، و آداب و رسوم ملل و اقوام مختلف به دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نقش کم‌اهمیت‌تری داشته باشند. اما شواهد فراوان حکایت دارد که به واقع چنین نیست و جایگاه ترجمه و مترجم، البته به گونه‌ای کاملاً متفاوت، بسیار پررنگ‌تر و پراهمیت‌تر از گذشته شده است.

در جهان حاضر که به واقع نام دهکده جهانی بر آن نهاده شده است، به علت نیاز همگانی به فراگیری و تبادل اطلاعات و نیز سرعت فراوان تولید علم و فن‌آوری و نیز گفتگوهای فرهنگی، علمی و سیاسی میان فرهیختگان، دولتمردان، و صاحبان اندیشه، بیشتر دانشمندان، متخصصان و سیاست‌مداران در تبادل اطلاعات با هم‌تایان خود در دیگر کشورها به یک زبان بین‌المللی میانجی و به طور عمده زبان انگلیسی، مسلط هستند. این عده برای گفتگوهای غیررسمی خود شاید نیازی به ترجمه و مترجم نداشته باشند، اما در مراوده‌های بین‌المللی، گردهمایی‌ها و همایش‌های مختلف که به صورت رسمی برگزار می‌شود همواره به مترجم و ترجمه نیاز است. رسمیت یافتن و مستند

شدن گفتگوها و تبادل اندیشه‌ها در این تماس‌ها تنها از طریق ترجمه تحقق می‌یابد. در این شرایط مترجمان به دو صورت ترجمه همزمان در ملاقات‌های حضوری، سمینارها، و همایش‌ها؛ و ترجمه مکتوب برای برگردان اسناد، مدارک، و مقاله‌ها و کتاب‌ها؛ در تبادل دانش و فرهنگ و علم، و در نتیجه پیوند ملت‌ها و تمدن‌ها سهمی بسزا دارند.

با شروع ترجمه ماشینی و پیدایش نرم افزارهای جدید رایانه‌ای، اینک این پرسش مطرح است که آیا نیاز به ترجمه انسانی در آینده همچنان پا برجا خواهد ماند؟ آیا نرم افزارهای رایانه‌ای می‌تواند کار انتقال یک روح و معنی را از کالبد زبان مبداء به کالبد زبان مقصد، بگونه‌ای انجام دهد که تمام ظرافت‌ها و ویژگی‌های خاص زبانی؛ پیچیدگی‌های سخن و احساسات نهفته در کلام؛ اصطلاحات موجود در هر زبان؛ ساختارهای پیچیده دستوری، واژگانی، گفتمانی، بافتاری؛ و دیگر ویژگی‌های زبان‌های بشری، بدون کم و کاست در ترجمه لحاظ شود. پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند گذشت زمان و آگاهی از چگونگی سیر تحول و پیشرفت این فناوری در آینده خواهد بود. با این حال، در حال حاضر می‌توان گفت با دانش کنونی بشر و شناختی که از پیچیدگی‌های زبان و اندیشه و تفکرات انسان داریم چنین کاری در حد محال می‌نماید. اما باید افزود با بهره‌گیری از همین پیچیدگی‌های موجود در تفکرات و اندیشه‌های انسانی، بسیاری از محال‌های گذشته اکنون واقعیت یافته است.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. ابن ابی اصیبعه: عیون الانباء فی طبقات الاطباء، دارالفکر ۱۹۷۵ م، بیروت
۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق: الفهرست، ترجمه و تحقیق، محمدرضا تجدد، امیرکبیر ۱۳۶۶، چاپ سوم، تهران
۳. احمد، عزیز: تاریخ سیسیل در دوره اسلامی، ترجمه نقی لطفی و محمد جعفریاحقی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۶ تهران
۴. آرنولد، سر توماس و آلفرد گیوم: میراث اسلام (آنچه مغرب زمین به ملل اسلامی مدیون است) برگردان مصطفی علم، مهر ۱۳۵۲، تهران
۵. آشوری، داریوش: تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷، تهران
۶. اولیری دلیسی: انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، برگردان احمد آرام، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴ چاپ دوم تهران
۷. پاول تاد، لوئیس و دیگران: سیر تکاملی تمدن، برگردان هاشم رضی و مجید رضی، آسیا ۱۳۴۲، تهران
۸. حتی، فیلیپ: تاریخ عرب، برگردان ابوالقاسم پاینده، ۲ جلد، حقیقت، ۱۳۴۴، تبریز
۹. حقیقت، عبدالرفیع: تاریخ علوم و فلسفه ایرانی از جاماسب حکیم تا حکیم سبزواری کوشش ۱۳۷۲، تهران
۱۰. دورانت، ویل: تاریخ تمدن (مشرق زمین گاهواره تمدن) جلد ۱، ترجمه احمد آرام، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۶۷، چاپ دوم، تهران
۱۱.: تاریخ تمدن، ج ۴ عصر ایمان، برگردان ابوالقاسم پاینده بخش ۱ و ۲، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷ تهران
۱۲. روسو، پی یر: تاریخ و علوم، ترجمه حسن صفاری، امیرکبیر، چاپ چهارم ۱۳۴۴، تهران
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین: کارنامه اسلام، امیرکبیر ۱۳۶۲ چاپ سوم، تهران
۱۴. زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی، مجموعه مقالاتی از محققین، ج ۱، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۶۵، تهران
۱۵. زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، امیرکبیر ۱۳۶۹ چاپ ششم، تهران
۱۶. شریف، میان محمد: تاریخ فلسفه در اسلام، تهیه و گردآوری و ترجمه فارسی زیر نظر نصر... پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷، تهران

۱۷. شریعتی، علی: تاریخ و تمدن دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار ۱۳۵۹، تهران
۱۸. فشاهی، محمدرضا: مقدمه‌ای بر سیر تفکر در قرون وسطی، گوتبرگ ۱۳۵۴، تهران
۱۹. قراگزلو، محمد: گفت‌وگوی تمدن‌ها، ایده‌ای فراموش شده، بخش سوم، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هیجدهم، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۲
۲۰. گلین، دانیل: تمدن‌های اولیه و باستان‌شناسی، خاستگاه آنها، ترجمه هایدی معیری، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۳، تهران
۲۱. گیرشمن، ر: ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۶، تهران
۲۲. محمدی، ذکراالله: نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، انتشارات دانشگاه بین المللی امام خمینی ۱۳۷۳، تهران
۲۳. میرانی، صدرالدین: زندگی و تمدن در قرون وسطی، اقبال ۱۳۴۷ تهران
۲۴. وات، مونتگمری: تأثیر اسلام در اروپا، ترجمه یعقوب آژند، مولی چاپ اول ۱۳۶۱، تهران
۲۵. هانتینگتون، ساموئل: برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، برگردان محمد علی حمید رفیعی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی ۱۳۷۸، تهران

۲۶. Newmark, Peter. (۱۹۸۸) *Approaches to Translation*, Prentice Hall International (UK) Ltd. London.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی